

## کتاب دانیال - شماره پنجاه و نه

پرده برداری از راز نهایی نبوت: بازگشایی سرنوشت ساز به دست شیر قبیله یهودا

Jeff Pippenger

2024-01-23

اندکی پیش از پایان مهلت، آخرین راز نبوی به دست شیر قبیله یهودا گشوده می شود، و این خردمندان اند که افزایش دانشی را که از آن گشایش پدید می آید درمی یابند. دو شاهد کتاب مکاشفه بر بخشی از آنچه در آن زمان گشوده می شود نور می افکنند.

اینک حکمت است. هر که فهم دارد، عدد وحش را بشمارد؛ زیرا که آن عدد انسان است؛ و عددش ششصد و شصت و شش است. ... و اینک اندیشه ای که حکمت دارد: آن هفت سر، هفت کوه اند که زن بر آنها نشسته است. مکاشفه ۱۸:۱۳، ۹:۱۷.

«آخرین قدرتی که قرار است علیه کلیسا و شریعت خدا بجنگد و با وحشی دارای شاخ های برّه مانند نمادین شده است»، ایالات متحده است. این، ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است و ساختار پادشاهی آن همان ساختار (تصویر)ی است که پادشاهی پنجم نبوت کتاب مقدس داشت. این پادشاهی به حکومتی بدل می شود که در آن کلیسا بر دولت حکم می راند و سپس سراسر زمین را وادار می کند همان ترتیب را بپذیرد. پیوند کلیسا و دولت در ایالات متحده با فرا رسیدن قانون قریب الوقوع یکشنبه به طور کامل تحقق می یابد.

«تصویر وحش» نمایانگر آن نوع از پروتستانیسم مرتد است که هنگامی پدید خواهد آمد که کلیساهای پروتستان برای اجرای عقاید جزمی خود به یاری قدرت مدنی متوسل شوند. «نشان وحش» هنوز باید تعریف شود. نبرد عظیم، ۴۴۵.

تصویر وحش و نشان وحش دو نماد متفاوت اند، اما در زمان قانون یکشنبه است که تصویر وحش به کمال خود می رسد.

تحمیل نگه داشتن یکشنبه از سوی کلیساهای پروتستان، تحمیل پرستش دستگاه پاپی—یعنی وحش—است. کسانی که با درک الزامات فرمان چهارم، به جای سبت حقیقی، سبت کاذب را نگاه داشتن برمیگزینند، بدین وسیله به آن قدرتی که فقط اوست که چنین امری را فرمان داده، ادای حرمت می نهند. اما همین عمل تحمیل یک وظیفه دینی به دست قدرت مدنی، خود کلیساها را به ساختن تصویری برای وحش وامی دارد؛ از این رو تحمیل نگه داشتن یکشنبه در ایالات متحده به منزله تحمیل پرستش وحش و تصویر او خواهد بود. مناقشه بزرگ، ۴۴۸، ۴۴۹.

با تصویب قانون یکشنبه، قانون اساسی ایالات متحده کاملاً لغو می شود و این ملت به طور کامل از راستی و عدالت جدا می شود. سپس، تحت کنترل کامل شیطان، ایالات متحده جهان را وادار می کند همان نظام کلیسا و دولت را بپذیرد که تازه در ایالات متحده برقرار شده است. دولت جهانی سازمان ملل متحد است و کلیسای رومی کلیسایی است که بر این رابطه حکومت می کند.

«جهان از توفان و جنگ و اختلاف پر است. اما تحت رهبری واحد—قدرت پاپی—مردم برای مخالفت با خدا در شخص شاهدان او متحد خواهند شد.» شهادت ها، جلد ۷، ۱۸۲.

نظام کلیسا و دولت که در نبوت به صورت تصویر وحش نشان داده شده است، نیز اتحادی سه گانه از اژدها، وحش و پیامبر دروغین است. ده پادشاه مکاشفه هفده، که همان سر هفتم اند، قدرت اژدها را نمایندگی می کنند.

"پادشاهان و حاکمان و والیان بر خود داغ ضد مسیح نهاده‌اند و چون آن اژدها تصویر شده‌اند که می‌رود تا با مقدسان، با آنان که احکام خدا را حفظ می‌کنند و ایمان عیسی را دارند، جنگ کند." شهادت‌ها برای روحانیان، ۳۸.

«ده پادشاه» نمایانگر سازمان ملل متحد هستند که دین آن روح‌گرایی است، و دین پیامبر کاذب پروتستانیسم مرتد است، و دین وحش کاتولیسیسم است که صرفاً روح‌گرایی است که با ادعای مسیحیت پوشانده شده است.

«با صدور فرمانی که برخلاف قانون خدا، نهاد پاپی را الزام‌آور می‌سازد، ملت ما به‌طور کامل از راستکاری جدا خواهد شد. وقتی پروتستانیسم دست خود را از فراسوی شکاف برای فشردن دست قدرت رومی دراز کند، و هنگامی که بر فراز ورطه دست در دست روح‌گرایی نهد، و زمانی که تحت نفوذ این اتحاد سه‌گانه کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را، به‌عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری، نفی کند و برای ترویج اکاذیب و گمراهی‌های پاپی تمهیداتی فراهم آورد، آنگاه خواهیم دانست که زمان عمل شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» شهادت‌ها، جلد ۵، صفحه ۴۵۱.

در هنگام قانون روز یکشنبه، اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و پیامبر کاذب تحقق می‌یابد. سپس ایالات متحده جهان را وادار می‌کند که حکومت واحد جهانی سازمان ملل متحد را بپذیرد، زیرا در هنگام قانون روز یکشنبه جهان به بحران بزرگی فرو می‌رود، چراکه اسلام به‌سبب تحمیل پرستش خورشید، داوری را بر ایالات متحده می‌آورد. سپس شیطان در هیئت مسیح ظاهر می‌شود و در حالی که ایالات متحده جهان را وادار می‌کند اتحاد واحد جهانی کلیسا و دولت را بپذیرد، همچنین جهان را مجبور می‌کند که یکشنبه را به‌عنوان روز استراحت بپذیرد. همان فرایند آزمون که در ایالات متحده رخ داده بود، سپس بر سراسر جهان نیز اعمال می‌شود.

"کشورهای خارجی از الگوی ایالات متحده پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، اما همان بحران دامنگیر مردم ما در همه نقاط جهان خواهد شد." گواهی‌ها، جلد ۶، ۳۹۵.

این اصل که ارتداد ملی به ویرانی ملی می‌انجامد، هنگامی دامنگیر هر کشوری می‌شود که آن کشور روز خورشید را به‌عنوان روز عبادت بپذیرد. بحران فزاینده همان "یک ساعت" است که در آن ده پادشاه همراه با پاپ، "مرد گناه"، حکومت می‌کنند. آنان موافقت کردند پادشاهی هفتم خود را به مرجعیت پاپی واگذار کنند، زیرا به این باور سوق داده شده‌اند که مرجعیت اخلاقی پاپ برای متحد کردن جهان در برابر جنگ رو به تشدید علیه اسلام ضروری است. در سال ۱۷۹۸، سازمان ملل متحد هنوز پا به عرصه تاریخ نگذاشته بود.

و آن ده شاخی که دیدی ده پادشاه‌اند که هنوز پادشاهی نیافته‌اند؛ اما برای ساعتی با آن وحش چون پادشاهان قدرت می‌یابند. آنان یکدل‌اند و قدرت و توان خود را به وحش خواهند سپرد. آنان با بره جنگ خواهند کرد و بره بر ایشان پیروز خواهد شد، زیرا او خداوند خداوندان و پادشاه پادشاهان است؛ و آنان که با او هستند، خوانده‌شدگان و برگزیدگان و وفاداران‌اند. مکاشفه 14-17:12.

همان‌گونه که همواره در مورد پاپ بوده است، پادشاهان قدرت لازم را برای نهاد پاپی فراهم خواهند کرد تا تعقیب و آزار علیه قوم خدا را پیش ببرد، و این ده پادشاه‌اند که با بره جنگ می‌کنند، اما این کار را به فرمان «مرد گناه» انجام می‌دهند. «مرد گناه» همچنین همان «مردی» است که هفت کلیسا در باب چهارم اشعیا به او چنگ می‌زنند.

و در آن روز هفت زن به یک مرد چنگ خواهند زد و خواهند گفت: نان خود را می‌خوریم و پوشاک خود را می‌پوشیم؛ فقط بگذار به نام تو خوانده شویم تا عار ما برداشته شود. در آن روز شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود، و میوه زمین برای باقی‌ماندگان اسرائیل عالی و پسندیده خواهد بود. اشعیا ۴: ۱، ۲.

«هفت زن» به این معناست که دستگاه پاپی (مرد گناه) بر همه کلیساهای زمین، همان‌گونه که بر همه ملت‌ها، سلطه دارد. «سرزندی» که کلیساهای می‌خواهند از آن بهره‌برند، «سرزندی» رد کردن مطالبه عبادت در روز یکشنبه است. سبت‌نگهداران وفادار به خاطر وفاداری‌شان مورد آزار قرار خواهند گرفت، و اسلام نیز از رعایت روز خورشید سر باز خواهد زد. توافقی که ایالات متحده میان دستگاه پاپی و سازمان ملل متحد ترتیب می‌دهد این است که مرجعیت اخلاقی مرد گناه همان چیزی است که برای سوق دادن جهان به پذیرش جنگ علیه اسلام به‌منظور برقراری صلح بر روی زمین لازم است.

اما درباره زمان‌ها و وقت‌ها، ای برادران، نیازی نیست که برای شما بنویسم. زیرا خودتان به‌خوبی می‌دانید که روز خداوند مانند دزدی در شب می‌آید. زیرا هنگامی که می‌گویند «صلح و امنیت»، آنگاه نابودی ناگهانی بر ایشان می‌آید، چنان‌که درد زایمان بر زن باردار؛ و نخواهند توانست بگریزند. اما شما، ای برادران، در تاریکی نیستید تا آن روز شما را مانند دزد غافلگیر کند. شما همگی فرزندان نور و فرزندان روز هستید؛ ما نه از شب‌ایم و نه از تاریکی. اول تسالونیکیان ۵: ۵-۵.

پیام «صلح و امنیت» در پیشگویی‌های کتاب مقدس، که همواره به‌عنوان پیامی دروغین معرفی می‌شود، تنها در دوره‌ای معنا دارد که صلح و امنیت وجود ندارد. وقتی صلح و امنیت وجود دارد، دلیلی برای ارائه پیام «صلح و امنیت» وجود ندارد. اسلام تمام صلح و امنیت را از میان می‌برد. «ویرانی ناگهانی» مرتبط با آن پیام دروغین، ویرانی‌ای است که شدت می‌گیرد، زیرا مانند «زنی» است که در «درد زایمان» است. نخستین درد زایمان وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود.

در روایت‌های نبوی ایلیا و یوحنا تعمیددهنده، فریب قدرت پاپی به تصویر کشیده شده است. وقتی آخاب به سامره بازگشت تا به ایزابل خبر دهد که خدای ایلیا خدای حقیقی است، زیرا خدا آتش را از آسمان فرو آورده بود، آنگاه آخاب دریافت که ایزابل درباره نفرتش نسبت به ایلیا او را فریب داده بود. همان نفرت و فریب زمانی به تصویر کشیده شد که هیرودیس در جشن تولدش به سالومه وعده داد نیمی از پادشاهی‌اش را بدهد. سالومه دختر هیرودیس بود؛ بنابراین هیرودیس اژدها بود، هیرودیس پاپی، و سالومه نبی کاذب.

در این داستان، قدرت فریبنده رقص سالومه به کار رفت تا هیرودس (ده پادشاه) را وادارد نیمی از پادشاهی‌شان را به یک کلیسا (یک زن) واگذارد. آن زن (سالومه) تحت هدایت مادرش (کاتولسیسم) بود، و هیرودس خیلی دیر دریافت که نگرش هیرودیس نسبت به یوحنا همانند نگرش ایزابل نسبت به ایلیا بود. در هر دو مورد، سبت‌گزاران باید بمیرند.

اسلام به تدریج، اما شتابان، صلح و امنیت را از سیاره زمین می‌زداید و با این کار بشریت را علیه اسلام گرد هم می‌آورد. جنگ افروزی به سرعت فزاینده اسلام، بیانگر آن استدلالی است که برای برپایی تصویر جهانی وحش در روزهای آخر به کار گرفته می‌شود. فریبی که بر جهان (ده پادشاه) آورده می‌شود، از سوی ایالات متحده (سالومه) است و جهان را به این باور می‌کشاند که باید علیه اسلام متحد شوند، اما دیر درمی‌یابند که آن طرح تنها نیرنگی بود برای آزار کسانی که سبت را نگاه می‌دارند. این فریب بخشی از علت نفرت آن ده پادشاه از آن روسپی است، هرچند که تحت فشار پذیرفتند هفتمین پادشاهی خود را به او واگذارند.

و آن ده شاخی که بر آن وحش دیدی، همین‌ها از آن روسپی نفرت خواهند داشت و او را ویران و عربان خواهند کرد، و گوشتش را خواهند خورد و او را با آتش خواهند سوزاند. زیرا خدا در دل‌هایشان نهاده است که اراده او را به انجام رسانند و هم‌داستان شوند و پادشاهی خود را به آن وحش بسپارند، تا سخنان خدا تحقق یابد. مکاشفه ۱۷:۱۶، ۱۷.

جهانی‌گرایان سازمان ملل متحد صرفاً «پادشاهان» زمین نیستند، بلکه همچنین به‌عنوان «بازرگانان» نیز معرفی می‌شوند؛ بنابراین جهانی‌گرایان از قدرت‌های سیاسی و اقتصادی تشکیل شده‌اند. دلیل این‌که فرشته‌ای که رؤیای مکاشفه باب هفدهم و هجدهم را به یوحنا آورد، این بود که داوری فاحشه بزرگ صور را به یوحنا نشان دهد. هر دو دسته از جهانی‌گرایان برای مرگ نهاد پاپی سوگواری می‌کنند.

از این رو بلاپایش در یک روز خواهد آمد: مرگ و ماتم و قحطی؛ و به تمامی با آتش سوخته خواهد شد، زیرا خداوند خدا که بر او داوری می‌کند نیرومند است. و پادشاهان زمین که با او زنا کرده و در ناز و نعمت با او زیسته‌اند، چون دود سوختن او را ببینند، بر او خواهند گریست و برایش نوحه خواهند کرد، و از بیم عذابش از دور ایستاده، خواهند گفت: وای، وای بر آن شهر بزرگ بابل، آن شهر نیرومند! زیرا در یک ساعت داوری‌ات فرا رسیده است. و بازرگانان زمین بر او خواهند گریست و سوگواری خواهند کرد، زیرا دیگر کسی متاع آنان را نمی‌خرد. مکاشفه ۸:۱۸-۱۱.

بازرگانان و پادشاهان هر دو از دور ایستاده و فریاد می‌زنند: «alas» alas واژه «alas» در زبان یونانی در باب هشتم مکاشفه به «woe» ترجمه شده است.

و فرشته‌ای را دیدم و شنیدم که در میانه آسمان پرواز می‌کرد و با آواز بلند می‌گفت: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، به سبب بانگ‌های دیگر شیپورهای آن سه فرشته که هنوز باید بنوازند! مکاشفه ۸:۱۳.

سه «وای» نمایانگر کرناهای پنجم، ششم و هفتم‌اند و نمادهای اسلام هستند. پادشاهان، بازرگانان و ناخدایان کشتی همگی در باب هجدهم سه بار فریاد می‌زنند: «افسوس، افسوس».

و پادشاهان زمین که با او زنا کرده و در ناز و نعمت با او زیسته‌اند، هنگامی که دود سوختن او را ببینند، بر او خواهند گریست و برای او ماتم خواهند گرفت؛ از بیم عذاب او از دور ایستاده، می‌گویند: وای، وای بر آن شهر بزرگ بابل، آن شهر نیرومند! زیرا در یک ساعت داوری تو فرارسید. ... بازرگانان این چیزها که به سبب او دولت‌مند شده بودند، از بیم عذاب او از دور ایستاده، گریان و نالان می‌گویند: وای، وای بر آن شهر بزرگ که به کتان لطیف و ارغوانی و سرخ‌فام پوشیده و با طلا و سنگ‌های گران‌بها و مرواریدها آراسته بود! زیرا در یک ساعت چنین ثروت عظیمی به نیستی مبدل شد. و هر کشتی‌سالار، و همه کسانی که در کشتی‌ها بودند، و دریانوردان، و هر که از راه دریا تجارت می‌کرد، از دور ایستادند و چون دود سوختن او را دیدند، فریاد برآوردند و گفتند: کدام شهر مانند این شهر بزرگ است! و خاک بر سر خود ریختند و فریادکنان، گریان و نالان گفتند: وای، وای بر آن شهر بزرگ که در آن همه صاحبان کشتی در دریا به سبب تجملات او دولت‌مند شده بودند! زیرا در یک ساعت ویران گردید. مکاشفه ۹:۱۸-۱۰، ۱۵-۱۹.

«ساعتی» که در آن داوری نهاد پاپی به انجام می‌رسد، همان «ساعت» مکاشفه یازده است؛ یعنی «ساعت زلزله عظیم»، و نمایانگر دوره قانون یکشنبه است که با قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود و تا هنگامی که میکائیل برمی‌خیزد و مهلت بشر پایان می‌یابد ادامه دارد. جهانی‌گرایانی که از آن فاحشه نفرت داشتند، اما با این حال پذیرفتند که پادشاهی خود را برای یک ساعت به او بدهند، نه تنها سه بار «وای، وای» (دریغ، دریغ) را تکرار می‌کنند، بلکه این پرسش را نیز می‌پرسند: «کدام شهر مانند این شهر عظیم است؟» آنان این پرسش را در کتاب حزقیال نیز مطرح کردند.

و آواز خود را بر ضد تو به گوش خواهند رسانید و به تلخی فریاد خواهند زد و خاک بر سر خود خواهند ریخت، خود را در خاکسترها خواهند غلتانید. و برای تو سرهای خویش را به کلی خواهند تراشید و پلاس بر کمر خواهند بست، و با تلخی دل و شیون تلخ برای تو خواهند گریست. و در شیون خود برایت مرثیه‌ای بر خواهند داشت و بر تو نوحه خواهند کرد و خواهند گفت: کدام شهر است همچون صور، چون ویران شده‌ای در میان دریا؟ هنگامی که کالاهایت از دریاها بیرون می‌آمد، بسیاری از مردم را بهره‌مند می‌ساختی؛ پادشاهان زمین را به فراوانی ثروت و بازرگانی خویش توانگر می‌کردی. در زمانی که به سبب دریاها در ژرفای آب‌ها درهم شکسته شوی، کالاهایت و همه جماعتت در میان تو سقوط خواهند کرد. تمام ساکنان جزایر از تو در شگفت خواهند شد و پادشاهانشان سخت خواهند ترسید؛ چهره‌هایشان مضطرب خواهد شد. بازرگانان در میان مردم بر تو صفیر خواهند کشید؛ تو مایه وحشت خواهی شد، و دیگر هرگز نخواهی بود. حزقیال ۳۰: ۲۷-۳۶.

حزقیال شهر را «تایروس» معرفی می‌کند، همان که «در میانه دریا نابود شده» است؟ اشعیا از فاحشه صور (تایروس) سخن می‌گوید، که همان فاحشه بزرگ مکاشفه است، که کلیسای کاتولیک است، و او را نیز «شهر تاج‌بخش» معرفی می‌کند.

آیا این است شهر شادمان شما که قدمتش از روزگاران کهن است؟ پاهای خودش او را به دوردست‌ها خواهد برد تا در غربت اقامت کند. چه کسی این تدبیر را بر ضد صور، آن شهر تاج‌بخش که بازرگانانش امیران‌اند و دادوستدکنندگانش آبرومندان زمین‌اند، اندیشیده است؟ خداوند لشکرها چنین قصد کرده است تا غرور هر جلالی را بیالاید و همه آبرومندان زمین را خوار سازد. اشعیا ۷: ۲۳-۹.

پاپیت «شهر تاجدار» است، زیرا اوست که ادعا می‌کند همچون ملکه بر اتحاد سه‌گانه می‌نشیند.

هر قدر که خود را جلال داده و در ناز و نعمت زیسته است، به همان اندازه عذاب و ماتم به او دهد؛ زیرا در دل خود می‌گوید: «من ملکه‌ام و بیوه نیستم و هرگز ماتم نخواهم دید.» مکاشفه ۱۸:۷.

حزقیال در مرثیه‌اش برای صور گفت که داوری فاحشه در «میان دریا» به انجام رسیده است.

کلام خداوند بار دیگر به من رسید و گفت: اکنون، ای پسر انسان، مرثیه‌ای بر صور بردار. ... کشتی‌های ترشیش در بازار تو از تو می‌سرودند؛ و تو پر شدی و در میان دریاها بسیار جلال یافتی. پاروزنانت تو را به آب‌های عظیم برده‌اند؛ باد شرقی تو را در میان دریاها شکسته است. حزقیال ۲۷: ۱، ۲، ۲۵، ۲۶.

این «باد شرقی» است که داوری را بر فاحشه صور، شهر تاج‌بخش، می‌آورد و «باد شرقی» نمادی از اسلام است. جنگی که ده پادشاه بر ضد اسلام به راه می‌اندازند همان است که نهاد پاپی روزهای آخر را نابود می‌کند. آگاهی ده پادشاه از این که فریب خورده‌اند نیز بیم را در دل‌هایشان می‌نشانند.

زیبا از حیث رفعت، شادمانی تمامی زمین، کوه صهیون است، در جانب‌های شمال، شهر پادشاه عظیم. خدا در کاخ‌های آن به عنوان پناهگاه شناخته می‌شود. زیرا اینک، پادشاهان گرد آمدند؛ با هم گذشتند. آن را دیدند و شگفت‌زده شدند؛ آشفته گشتند و شتابان گریختند. در آنجا ترس بر ایشان چیره شد، و دردی چون درد زن زائو. تو کشتی‌های ترشیش را با باد شرقی درهم می‌شکنی. چنان که شنیده بودیم، همان‌گونه در شهر خداوند لشکرها، در شهر خدای ما، دیده‌ایم؛ خدا آن را تا ابد برقرار خواهد ساخت. سلاه. مزمو ۴۸: ۲-۸.

جهانی‌گرایان به پادشاهی خدا، که شهر اورشلیم نماینده آن است، نگریستند، اما «آن شهر بزرگ» بابل را به‌عنوان سر و مرکز خود برگزیدند. وقتی خدا آن شهر بزرگ را داوری می‌کند، آنان چون درمی‌یابند که هلاک شده‌اند، می‌گیرند و نوحه می‌کنند؛ زیرا آن شهر بزرگی که برگزیده‌اند، در میانه دریا، به‌سبب جنگی که اسلام (باد شرقی) بر آنان آورده است، درهم شکسته می‌شود. و آن جنگ، جنگی است که به‌تدریج شدت می‌گیرد، زیرا همچون زنی است که در درد زایمان است.

پادشاهی خدا که آنان به خاطر پاپی‌گری آن را مورد تعقیب و آزار قرار داده‌اند، در باب دوم کتاب دانیال به تصویر کشیده شده است؛ جایی که به ما گفته می‌شود که در «ایام این پادشاهان [جهانی‌گرا]»، خدا پادشاهی جاودان خود را برپا خواهد کرد.

و در روزگار این پادشاهان، خدای آسمان‌ها سلطنتی برپا خواهد کرد که هرگز از میان نخواهد رفت؛ و آن سلطنت به قوم دیگری واگذار نخواهد شد، بلکه همه این سلطنت‌ها را خرد کرده و نابود خواهد ساخت، و تا ابد برقرار خواهد ماند. دانیال ۲:۴۴.

پیروان میلر بر این باور بودند که در «ایام این پادشاهان» زندگی می‌کنند، اما ده پادشاه مکاشفه باب هفدهم هنوز وارد تاریخ نشده بودند؛ در واقع، آنان تازه اکنون به چشم می‌آیند. پیروان میلر بر حق بودند، اما بینش‌شان محدود بود. پادشاهی خدا که در ایام پادشاهان مکاشفه باب‌های هفدهم و هجدهم برپا می‌شود، همان دوره باران پسین است.

دیدم که همه با شدت نظر دوخته و اندیشه‌های خود را به بحران قریب‌الوقوعی که پیش روست کشیده‌اند. گناهان اسرائیل باید از پیش به داوری سپرده شوند. هر گناهی باید در مقدس‌گاه اعتراف شود؛ آنگاه کار پیش خواهد رفت. این کار باید همین اکنون انجام شود. باقی‌مانده در زمان تنگی فریاد خواهند زد: «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟»

باران پسین بر آنان که پاک‌اند در راه است—آنگاه همه آن را همچون پیش‌تر دریافت خواهند کرد.

وقتی چهار فرشته رها کنند، مسیح پادشاهی خود را برپا خواهد کرد. هیچ‌کس باران پسین را دریافت نخواهد کرد مگر آنان که هرچه در توان دارند انجام می‌دهند. مسیح به ما کمک خواهد کرد. همه می‌توانند به فیض خدا و به‌واسطه خون عیسی، غالبان شوند. تمام آسمان به این کار علاقه‌مند است. فرشتگان علاقه‌مندند. Spalding and Magan, 3.

در زمان باران پسین، هنگامی که فرشتگان چهار باد را رها می‌کنند—که این در «ایام این پادشاهان» است—مسیح پادشاهی خود را برپا می‌کند. باران پسین روندی تدریجی دارد و در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، زمانی که وای سوم وارد تاریخ شد، به‌صورت نم‌نم آغاز گردید، اما خشم ملت‌ها فوراً مهار شد. شدت آن پیوسته افزایش می‌یابد تا هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده آمریکا، که در آن هنگام ویرانی ملی را به بار می‌آورد. آن‌گاه آن داوری فزاینده ادامه پیدا می‌کند، زیرا هر ملت دیگری از الگوی ایالات متحده پیروی می‌کند و در نتیجه همان داوری‌ها را متحمل می‌شود. این روند تا پایان مهلت فیض شدت می‌گیرد. همچون زنی در درد زایمان پیش می‌رود.

در مقاله بعدی به بررسی هشتمین موجود از میان آن هفت ادامه خواهیم داد.

تا وقتی که کسانی که مدعی حقیقت‌اند به شیطان خدمت می‌کنند، سایهٔ دوزخی او بر دیدشان نسبت به خدا و آسمان پرده می‌افکند. آنان مانند کسانی خواهند بود که محبت نخستین خود را از دست داده‌اند. نمی‌توانند حقایق ابدی را ببینند. آنچه خدا برای ما مهیا کرده است در زکریا، باب‌های ۳ و ۴، و باب ۴ آیات ۱۲ تا ۱۴، نمایانده شده است: «و من باز پاسخ دادم و به او گفتم: این دو شاخهٔ زیتون چیست که از میان دو لولهٔ طلائی روغن طلائی را از خود بیرون می‌ریزند؟ و او پاسخ داد و به من گفت: آیا نمی‌دانی این‌ها چیست؟ گفتم: نه، ای سرورم. آنگاه گفت: این‌ها دو

مسح شده‌اند که نزد خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند.»

خداوند سرشار از منابع است. او هیچ کمبود امکاناتی ندارد. به سبب کم‌ایمانی ما، دنیا دوستی ما، حرف‌های پوچ و بیهوده‌مان، و بی‌ایمانی ما که در گفت‌وگوهای مان آشکار می‌شود، سایه‌های تیره گرد ما جمع می‌شوند. مسیح در کلام یا منش، به‌عنوان آن که تماماً دلپسند است و ممتازتر از ده‌هزار، آشکار نمی‌شود. هنگامی که جان راضی می‌شود خود را به بطالت برافزاد، روح خداوند نمی‌تواند کار چندانی برای آن انجام دهد. دید کوتاه‌بین ما سایه را می‌بیند، اما شکوه فراسوی آن را نمی‌تواند ببیند. فرشتگان چهار باد را نگه می‌دارند؛ چهار بادی که به صورت اسبی خشمگین تصویر شده است و می‌کوشد خود را رها کند و بر چهره سراسر زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

«آیا بر آستانه همین جهان ابدی به خواب خواهیم رفت؟ آیا کرخت و سرد و مرده خواهیم بود؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده می‌شد، تا بر پای‌های خویش بایستند و زنده شوند. ما نیاز داریم که ببینیم راه تنگ است و دروازه باریک. اما چون از دروازه تنگ عبور می‌کنیم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases, جلد 20، ص. 217.